با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

سید روح‌الله و تبرک از ظرف آقا

در زمان جنگ، آیت‌الله خامنه‌ای به تیپ الغدیر تشریف بردند. من نیز در خدمت ایشان بودم. معظم‌له در جمع رزمندگان استان یزد، سخنرانی کردند، سپس به سنگر فرماندهی رفتیم.

ناهار را در آن سنگر صرف کردیم. آیت‌الله سید روح الله خاتمی نیز حضور داشتند. ایشان با دستهای لرزان خود، کاسه بزرگی را برداشت، مقداری ماست داخل آن ریخت و بعد شروع به درست کردن دوغ نمود. دوغ آماده شد. کاسه دوغ را خدمت رهبر انقلاب آورد و فرمود: آقا دوغ را برای شما درست کرده‌ام.

آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: شما خیلی به زحمت افتاده اید، خودتان میل بفرمایید.

آیت‌الله سید روح الله خاتمی گفت: اول شما تناول بفرمایید; چرا که من آن را برای شما آماده کرده‌ام. شما بفرمایید و سپس از باقیمانده آن به عنوان تبرک خواهم خورد.

رهبر انقلاب خواستند کاسه را بگیرند که آیت‌الله خاتمی فرمود: نه! می‌خواهم با دست خودم به شما دوغ بدهم! بعد با دستهای لرزان خود کاسه را نگه داشت و آقا از آن دوغ آشامیدند.

پس از آنکه مقام معظم رهبری از آن دوغ نوشیدند، آیت‌الله سید روح الله خاتمی کاسه را بر زمین گذاشت، آن را چرخاند و بعد لبهای خود را بر همان جایی که آقا از آنجا دوغ میل کرده بودند گذاشت و دوغ را آشامید.

*حجت‌الاسلام والمسلمین ذوالنوری (فرمانده وقت تیپ مستقل ۸۳ امام صادق)، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

صحبت کردن پشت سر نامزدها

س) در ایام انتخابات جهت شناخت نامزد مناسب، می‌بایست نواقص، عیوب و امتیازات آنها را در گذشته و حال تفحص کرد تا فرد لایق را پیدا نمود، آیا صحبت کردن پشت سر نامزدها برای انتخاب فرد اصلح جایز است؟ ملاک چیست؟

ج) در امور مربوط به انتخابات در حد مشاوره،اشکال ندارد.

شرکت یا عدم شرکت در انتخابات سایر کشورها

س) حکم شرکت یا عدم شرکت در انتخابات سایر کشورها چیست؟ آیا در این حکم فرقی بین کشور اسلامی و غیر اسلامی و انتخابات رسمی کشوری و انتخابات غیر رسمی کوچک وجود دارد یا خیر؟ اگر فرق دارد، حکم هر کدام چیست؟

ج)به طور کلی شرکت در انتخاباتی که موجب جلوگیری از فساد و یا فساد بیشتر بوده و یا شرکت نکردن موجب تضعیف اسلام و مسلمین شود، واجب است.

مسئولیت رأی دهنده در قبال عملکرد بعدی نامزدانتخاباتی

س)در صورتی که به شخصی رأی داده شود و بعداً ایشان آن طور که باید به احکام اسلامی عمل نکند و موجب نارضایتی شود، آیا فرد رأی دهنده در محضر خداوند متعال مسئول خواهد بود یا خیر؟

ج)اگر بر طبق موازین شرعی عمل کرده است، مسئول نخواهد بود.

تخریب نامزدها برای رأی آوردن

س) آیا تخریب نامزدها جهت رأی آوردن فردی که به نظر هواداران، اصلح می‌باشد، جایز است؟

ج) بیان ضوابط و شرایط و نقد کردن برای روشن شدن اذهان مانعی ندارد ولی باید از هتک حرمت، تهمت و توهین اجتناب کرد.

حکایت اهل راز

نگرانی برای نداشتن اخلاص

آیت‌الله میرزا جواد آقاتهرانی از علمای درجه یک مشهد بودند، زمان طاغوت از من (محسن قرائتی) دعوت کردند که برای تدریس روش کلاس داری به مشهد بروم و طلبه‌های مشهد را آموزش دهم. من خانه قم را دادم و برای یک سال خانه‌ای در مشهد اجاره کردم. یک عهدی با امام رضا(ع) بستم که یک سال هرگونه کلاسِ درسی شامل: حوزه، دانشگاه و دبیرستان در مشهد داشته باشم، هیچ حقوق و تشکری (از کسی) نخواهم، در عوض شما از خدا بخواه من آخوند مخلص بشوم. بعد از سه چهار ماه سر کلاس طلبه‌ها بودم و هنگام خروج به علت اینکه کلاس شلوغ بود، یکی از طلبه‌ها مرا دید و جلوتر از من خارج شد، من دوست داشتم که احتراماً به من تعارف کند. در همین لحظه متاثر شدم که بر عَهد خود نبودم و فهمیدم که اخلاص نداشتم. رفتم و گوشه‌ای از مسجد نشستم و با خود فکری کردم و سپس نزد آیت‌الله میرزا جواد آقاتهرانی رفتم و گفتم که یادتان هست که به گفته شما به اینجا آمدم، چند ماه نیز تدریس کردم و هیچ حقوقی هم نگرفتم؛ اما امروز فهمیدم خَسِرَ الدّنْیا وَالْاٰخِرَةَ شدم؛ نه پول گرفتم و نه آخرت را بدست آوردم. ایشان پرسیدند چرا؟! گفتم چون هنگام خروج دیدم به من تعارف نشد، یه جوری شدم و به ذوقم خورد. فهمیدم تا حالا، کارم برای خدا نبوده، ایشان بعد از این داستان شدیدا به‌گریه افتادند، آنچنان‌گریه می‌کردند که اشک از محاسن ایشان می‌چکید. رو کردند به من گفتند: برو حرم به امام رضا(ع) بگو متشکرم که وسط عمرم به من فهماندی که اخلاص ندارم؛ من دارم‌گریه می‌کنم برای خودم، نکنه در ۸۰ سالگی، دم در، کسی به من محل نگذارد و تو ذوقم بخوره.

*** سیدجواد بهشتی، خاطرات محسن قرائتی، جلد ۱، موسسه درس‌هایی از قرآن، بهار ۸۳.**

جایگاه و اهمیت ورزش در اسلام

علی قنبریان

این نوشتار به جایگاه و اهمیت ورزش پرداخته است. با توجه به مفاد آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع)، در نظام تربیتی اسلام، بر تربیت اخلاقی، عقلانی و جسمانی تأکید و سفارش فراوان شده است. ورزش از مصادیق تربیت جسمانی است. ورزش بر دو بُعد روح و جسم انسان تأثیر گذاشته و آنها را شاداب و باطراوت می‌کند.

از رهنمودهایی که اسلام درباره بهداشت فردی و اجتماعی، تغذیه سالم و کافی و ورزش‌ها و تفریحات سالم و کار و کوشش، واشباع غرایز در حدّ متعادل داده است، می‌توان به اهداف او در تربیت و پرورش جسم پی برد. همان‌گونه که جسم انسان نیازمند استراحت و تفریح است، روح وی نیز به سرگرمی‌های مفید و اموری که کسالت و خستگی را از او دور و نشاط را برایش به ارمغان بیاورد محتاج است. ورزش یکی از بهترین موارد برای پر کردن اوقات فراغت است. ورزش روحیه شجاعت و ازخودگذشتگی، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم را در انسان تقویت می‌کند و اراده وی را قوی می‌کند.

۱. سفارش به ورزش در دین اسلام

اسلام درباره تربیت بدنی راهنمایی‌های فراوانی دارد: تیراندازی و سوارکاری و ورزش‌های بدنی به‌طور عموم جزئی از روشهای تربیت بدنی در اسلام است. روایاتی از رسول اکرم(ص) در این باب وارد شده و فقهای اسلامی بابی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند که تحت عنوان «سبق و رمایه» معروف است.

در اسلام به تفریح‌های سالم و ورزش اهمیت داده شده و حتی شرط بندی در برخی مسابقات، همچون اسب‌سواری و تیراندازی، مجاز دانسته شده است؛ البته در اسلام بر عنصر «سالم بودن و حلال بودن» سرگرمی‌ها تأکید شده است؛ زیرا تفریح‌های ناسالم نه‌تنها خستگی و مشکلات کار را کم نمی‌کند، بلکه روح و اعصاب انسان را خسته کرده و از بازده کارهای بعدی می‌کاهد. (محمدعلی رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج۱۰، ص۴۷)

همین‌که ما برای شما که قهرمانان ورزشی هستید، ارزش قائل هستیم، نشان‌دهنده این است که ورزش در جامعه ما با ارزش است. ازاین‌رو، مردم هم باید پیرو شما که قهرمانان ورزشی هستید و در میدانهای مختلف، جوهر ملت خودتان را نشان می‌دهید، به دنبال ورزش بروند. نمی‌خواهیم همه قهرمان شوند و نمی‌شوند هم؛ اما می‌خواهیم همه به این نقطه‌های اوج بنگرند تا انگیزه پیدا کنند و به دنبال آن بروند؛ به حدّی که هیچ‌کس نباشد که ورزش نکند. بنده مایلم که جامعه و کشور ما این‌گونه باشد. (سیدعلی خامنه‌ای، بیانات در دیدار ورزشکاران جانباز، ۲۳/ ۰۶/ ۱۳۷۴، ص۸۷)

۲. نیاز به تفریح و ورزش

انسان، نیازمند تفریح و ورزش است. در قرآن درباره حضرت یوسف(ع) و برادرانش چنین آمده است: {أَرْسِلْهُ مَعَنا غَداً یَرْتَعْ وَ یَلْعَبْ وَ إِنّا لَهُ لَحافِظُونَ}؛ فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد و تفریح کند؛ و ما نگهبان او هستیم!» (یوسف: ۱۲/۱۲) همان‌طور که در آیه فوق مشاهده می‌شود قوی‌ترین منطقی که توانست حضرت یعقوب را تسلیم خواسته فرزندان کند، این بود که یوسف نیاز به تفریح دارد. در روایات آمده است: مؤمن باید زمانی را برای تفریح و بهره‌برداری از لذت‌های حلال اختصاص دهد تا به‌وسیله آن، بر انجام سایر کارها موفق شود. (محسن قرائتی، تفسیر نور، ج۴، ص۱۶۷)

۳. ورزش و ارتقاء توانایی و نشاط

داشتن نشاط و طراوت و سر زندگی از عوامل موفقیت یک فرد در کارهایش است و زندگی مردان موفق و بزرگ تاریخ نیز حقیقت را نشان می‌دهد که زمانی یک دانشمند موفق به اختراع و اکتشافی می‌گردد که به کارهایش تا سر حدّ عشق، علاقه‌مند بوده و از دلسردی و دلمردگی و احساس خستگی و کسالت دوری گزیده باشد. پرورش تن و پرداختن به جسم می‌تواند یکی از راه‌های تحصیل این حالت باشد.

نشاط و طراوت و سلامت جسم و عافیت، یکی از نعمت‌های الهی است و کسی که سلامت و عافیتش را از دست می‌دهد، یکی از شاخه‌های سعادت را از دست داده است. انسانی که سالم و قوی و ورزیده است، دارای یکی از شاخه‌های سعادت است.

ورزش سبب توانایی و نیرومندی انسان می‌شود. افراد ضعیف‌البنیه از نظر جسمانی با استفاده از بهداشت و ورزش، افراد نیرومندی می‌شوند و بعکس، افراد قوی‌البنیه بر اثر ترک این دو، ضعیف و ناتوان خواهند شد. (ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج۱، ص۳۲)

انسان، نیازمند تفریح و ورزش است. در قرآن درباره حضرت یوسف(ع) و برادرانش چنین آمده است: فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا تفریح کند؛ و ما نگهبان او هستیم!» همان‌طور که در آیه فوق مشاهده می‌شود قوی‌ترین منطقی که توانست حضرت یعقوب را تسلیم خواسته فرزندان کند، این بود که یوسف نیاز به تفریح دارد. در روایات آمده است: مؤمن باید زمانی را برای تفریح و بهره‌برداری از لذت‌های حلال اختصاص دهد تا به‌وسیله آن، بر انجام سایر کارها موفق شود.

توانایی مزیت است؛ چنان‌که توانایی حضرت موسی(ع) در کنار امانت وی، سبب شد تا حضرت شعیب(ع) او را برای خدمت برگزیند. قرآن کریم دراین‌باره می‌فرماید: {قَالَتْ إِحْدَاهُمَا یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمِینُ}؛ یکی از دو دختر (صفورا دختر شعیب) گفت:ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که باید به خدمت برگزید، کسی است که امین و توانا باشد. (قصص: ۲۶/۲۸)

در حدیث وارد شده است که: «اَلْقَدَرُ یَغْلِبُ الحَذَرَ»؛ قدرت و توانایی، انسان ترسو را پیروز می‌کند. (محمدبن‌حسین آقا جمال خوانساری، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج۱، ص۲۵۷)

۴. ورزش و ایجاد نظم و انضباط

یک ورزشکار با شرکت در ورزش‌های دسته‌جمعی، عملاً روحیه همکاری و تعاون را تمرین می‌نماید و رعایت نظم و انضباط و انجام مسئولیت فردی و دخالت نکردن در کار دیگران را تجربه می‌کند؛ زیرا یک رشته ورزشی که دارای چند نفر عضو است پیروزی در آن مرهون همکاری همه افراد گروه و حفظ مواضع و انجام مسئولیت‌های فردی است و روحیه نظم و انضباط و دقّت عمل را به آنها می‌آموزاند.

نظم و انضباط در روایات اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، امام علی(ع) که بارها نتایج زیانبار بی‌نظمی و تشتّت را در فکر و عمل مسلمانان دیده بود، در بستر شهادت و در آخرین پیامش، فرزندان خود و مسلمانان را به تقوای الهی و نظم در کارها فراخوانده، می‌فرماید: «أُوصیکُما و جمیعَ ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکُم»؛ شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هرکس را که نوشته من به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم. (الحیاة، محمدرضا حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، ج۱، ص۵۴۲)

یک ورزشکار با شرکت در ورزش‌های دسته‌جمعی، عملاً روحیه همکاری و تعاون را تمرین می‌نماید و رعایت نظم و انضباط و انجام مسئولیت فردی و دخالت نکردن در کار دیگران را تجربه می‌کند؛ زیرا یک رشته ورزشی که دارای چند نفر عضو است، پیروزی در آن مرهون همکاری همه افراد گروه و حفظ مواضع و انجام مسئولیت‌های فردی است و روحیه نظم و انضباط و دقّت عمل را به آنها می‌آموزاند.

۵. بازدارندگی ورزش در برابر مفاسد

به‌نظر نگارنده ورزش در برابر ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی قدرت بازدارندگی داشته و مانع از بروز بسیاری از جرائم می‌شود. برخی از اهداف ورزش عبارت است از: رشد و شکوفایی قوای عقلی، هوش، استعداد و تقویت اراده در برابر مفاسد اجتماعی و سرگرمی‌های خطرناک، مانند اعتیاد به مواد مخدر.

۶. تقویت جسم (ورزش) همراه با تقویت روح (تهذیب و تزکیه نفس)

امام خمینی در جمع ورزشکاران و کارمندان تربیت بدنی، در اهمیت ورزش و تلفیق آن با ایمان و تهذیب نفس چنین فرمودند:

«مملکت ما همان‌طوری که به علما و دانشمندان احتیاج دارد، به این قدرت شما هم احتیاج دارد. این قدرت وقتی با ایمان باشد، وقتی که زورخانه با قرآن باشد، با ایمان باشد، پشتوانه یک ملت است. وقتی قهرمان‌ها، قهرمان‌های اسلامی باشند، پشتوانه یک ملت هستند؛ بازوی یک ملت هستند... ورزشکار با ایمان، روحانی با ایمان، دانشگاهی با ایمان، بازاری با ایمان، دهقان و کشاورز و کارگر با ایمان، اینها می‌توانند پشتوانه یک ملت باشند و نگذارند دست‌های خائنانه کسانی که می‌خواهند همه‌چیز ما را ببرند، قدرت مادی ما، قدرت معنوی ما را از بین ببرند، اینهایند که نمی‌گذارند. ایمان‌تان را تقویت کنید، به اسلام پناه ببرید؛ همه‌مان به اسلام پناه ببریم. همه‌جا یاد خدا باشیم. من می‌دانم که ورزشکارها در گودهای زورخانه یاد خدا هستند، یاد امیرالمؤمنین هستند. تقویت کنید این یاد خدا را. تقویت کنید این یاد مولا را و همه با قدرت، همه با ایمان، ان‌شاءالله به پیش بروید». (سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج۸، ص۳۵-۳۶)

اسلام درباره تربیت بدنی راهنمایی‌های فراوانی دارد: تیراندازی و سوارکاری و ورزش‌های بدنی به‌طور عموم جزئی از روش‌های تربیت بدنی در اسلام است. روایاتی از رسول اکرم(ص) در این باب وارد شده و فقهای اسلامی بابی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند که تحت عنوان «سبق و رمایه» معروف است.

آیت‌الله خامنه‌ای در ضرورت و اهمیت ورزش و تقویت جسم و همراه ساختن آن با تزکیه و تهذیب نفس می‌گوید:

«جسم انسان بدون ورزش، ضعیف و لاغر و بی‌قدرت خواهد بود. هرکسی باشید، هرچه بنیه قوی و نیرومند داشته باشید، اگر ورزش نکردید و خوردید و خوابیدید، بدن ضعیف می‌ماند؛ شکی در این نیست. همچنانی که اگر ورزش نکنید، بدن شما آن رشد لازم را نمی‌کند، زیبایی‌هایی هم دارد که ورزش آنها را آشکار خواهد کرد؛ بدون ورزش نمی‌شود. روح شما هم عیناً همین‌طور است. بدون ورزش، بدون تمرین و ریاضت، ممکن نیست شما قوی بشوید. ای‌بسا انسان‌هایی هستند با جسم‌های نیرومند و زیبا، ولی با روح‌هایی لاغر، زشت، ناتوان و ضعیف؛ این به درد نمی‌خورد». (سیدعلی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم؛ روز سی‌ام ماه مبارک رمضان، ۰۶/ ۰۲/ ۱۳۶۹، ص۶۱)

۷. اهمیت کوه و کوهنوردی

کوهنوردی از ورزش‌های کم‌خرجی است که شاید بیشترین تأثیر را بر شادابی روح می‌گذارد زیرا در این ورزش، کوهنورد مناظر زیبا و جذاب و بِکر طبیعت را نظاره می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای به ورزش کوهنوردی علاقه داشته و برخی مواقع به آن می‌پردازد. ایشان در اهمیت کوه و کوهنوردی چنین می‌گوید:

«توصیه این است که جوان‌ها ورزش کنند. من هر وقت چشمم به ارتفاعات شمال تهران می‌افتد و می‌بینم که در این منطقه ضلع شمالی تهران ـ یعنی از منتهای شرق تا منتهای غرب ـ شاید حدود ده معبر وجود دارد که مردم را به این سلسله‌کوه‌های باعظمت و بسیار مصفّا متّصل می‌کند؛ اما مردم استفاده نمی‌کنند، تأسف می‌خورم. هر وقت به کوه می‌آیم، وقتی می‌بینم خلوت است، تأسف می‌خورم که چرا جوان‌ها و حتی غیرجوان‌ها از این نعمت الهی و این فرصت کمیاب استفاده نمی‌کنند. خود من از حدود عید نوروز، کوه‌پیمایی را شروع می‌کنم تا اواسط پاییز؛ یعنی وقتی‌که یخ می‌بندد و در کوهستان خطر لغزیدن هست. بعد از آن دیگر به کوه نمی‌آیم. در واقع در هر سال، چهار پنج ماه این کار را تعطیل می‌کنم. اما در آن هفت، هشت ماه دیگر، تا اواسط پاییز، بنایم بر این است که هفته‌ای سه مرتبه بیایم. البته اغلب اوقات پیش نمی‌آید که بتوانم هفته‌ای سه‌بار بیایم. یعنی هفته‌ای دوبار یا هفته‌ای یک‌بار می‌شود؛ لکن کمتر از هفته‌ای یک‌بار نمی‌شود. البته اینجا را که ملاحظه می‌کنید، راه طولانی است. برای من، مسیر «کُلَک‌چال» مقداری زیاد است. از این رو همیشه به «کُلَک‌چال» نمی‌آیم. هر سال یک یا دو بار این‌طور راه‌های طولانی را می‌آیم و در غیر این یکی دو بار، معمولاً راه می‌افتم از طرفی ـ یکی از همین راه‌هایی که معمول هست و مردم می‌روند، یا بعضی راه‌های خلوت‌تر ـ حدود یک ساعت می‌روم بالا و برمی‌گردم. خوب؛ شما سن مرا هم ملاحظه کنید. جوان‌هایی که در کوهستان راه می‌روند، در حدود سنین سی سال و سی و دو سه سال و کمترند. اینها همه جای فرزندان من محسوب می‌شوند. وقتی‌که من با این سن و با این همه اشتغالات ـ واقعاً وقت گذاشتن من برای ورزش یک مجاهدت است ـ بتوانم از لابه‌لای کارهای فراوان و متراکم، وقتی برای ورزش باز کنم و با وجود بالا رفتن سن و انحطاط مزاجی، مقیّدم به کوهستان بیایم، شما ببینید که جوان‌ها چه وظیفه‌ای دارند!

توصیه من این است که جوان‌ها به من نگاه کنند. من وقتی به کوه می‌آیم و گاهی می‌بینم حتّی از من مسن‌تر هم کسانی می‌آیند که با استحکام و استقرار جسمانی و قرص و محکم این راه را طی می‌کنند، واقعاً لذّت می‌برم. البته این نکته را تأکید کنم که وقتی می‌گوییم جوان‌ها، معنایش این نیست که ورزش مخصوص جوان‌هاست. نخیر؛ همان‌طور که ورزش برای جوان‌ها لازم است، برای مسن‌ترها هم لازم است؛ بلکه می‌شود گفت برای جوان‌ها لازم است، برای مسن‌ها واجب مؤکّد است. توجّه کردید؟ چون اگر کسانی که پا به سن گذاشته‌اند، ورزش نکنند، پیری زودرس به سراغ‌شان خواهد آمد و قطعاً دچار عوارض پیری خواهند شد و از کار خواهند افتاد. چرا کسی که می‌تواند کار و تلاش کند و عمر خود را ده، بیست سال با ورزش، برحسب روال طبیعی استمرار بخشد، این کار را نکند؟ من حرفم این است. از این رو توصیه می‌کنم همه ورزش کنند؛ هم جوانها، هم پیرها، هم میانسال‌ها، هم مردها و هم زن‌ها. زن‌ها هم باید ورزش کنند. گاهی من در همین راه «کُلک‌چال» که از پایین به بالا می‌آیم، یا بالعکس به طرف پایین می‌روم، خانم‌هایی را می‌بینم که با چادر مشکی این راه را طی می‌کنند. با اینکه قسمتی از این راه، بسیار ناهموار و یا به قول ما مشهدی‌ها قلب است، در عین حال خانم‌ها این راه ناهموار را تحمّل می‌کنند و با چادر مشکی می‌آیند. خوب؛ این همّت است دیگر. من این‌طور زن‌ها و همچنین افراد مسنّی که این راه‌های طولانی را طی می‌کنند و می‌روند، بسیار تحسین می‌کنم.

بنابراین توصیه ما به همه مردم این است که ورزش کنند. البته از میان همه ورزش‌ها توصیه ورزش خاصّی را نمی‌کنیم. هرکس به هر ورزشی که دوست دارد و با وضع و طبیعت و امکانات او متناسب است، بپردازد. منتها بی‌خرج‌ترین ورزشها کوهنوردی است. این را که ما امتحان کرده‌ایم، هیچ خرجی ندارد؛ حتّی یک توپ کوچک هم لازم ندارد. آدم کفشش را پایش می‌کند و می‌زند به کوه و راه می‌رود و ورزش می‌کند و از این هوای خوب و مناظر طبیعی استفاده می‌کند. توصیه می‌کنم که حتماً ورزش را فراموش نکنید». (سیدعلی خامنه‌ای، بیانات: مصاحبه در هنگام کوه‌پیمایی، ۰۶/ ۰۲/ ۱۳۷۵، ص۸۲-۸۳)

چگونه شصت سال عبادت، با یك كلمه بر باد می‌رود؟

حجت‌الاسلام حسینی قمی

هر وقت می‌خواهیم راجع به دیگران صحبت کنیم یادمان بیاید که اگر کسی چیزی شبیه به همان پشت سر ما بگوید یا در فضای مجازی منتشر کند، راضی هستیم یا خیر؟ بعد از آن یادمان باشد وقتی با کلامی زندگی مردم را از بین ببریم آیا قابل جبران هست؟ یعنی می‌توانیم آبروی رفته را برگردانیم؟ قطعا نمی‌توانیم. بنابراین باید آنچه را برای خودمان می‌پسندیم برای دیگران هم همان را بخواهیم.

اخلاق، حلقه مفقوده این روزهاست بخصوص اینکه بخش زیادی از مردم به فراخور شرایط زندگی و حرفه‌خود، از فضای مجازی استفاده می‌کنند و متاسفانه در این فضا می‌بینیم که برخی با آبروی دیگران بازی می‌کنند، اما براساس روایات صریح دین، حفظ آبروی مومنان توصیه موکد خداوند متعال و معصومین «علیهم‌السلام» است. اگر می‌خواهیم بدانیم امام‌رضا«ع» در حفظ حرمت مومنان چگونه عمل می‌کردند خوب است رجوع کنیم به کتاب «عیون اخبارالرضا» که در این کتاب از قول فردی نقل شده: «محضر امام‌رضا«ع» بودم، حضرت شعر زیبایی خواندند.

از ایشان سوال شد شاعر این شعر چه کسی است؟ حضرت فرمودند: یک شاعری است و نخواستند اسم شاعر را بیاورند. کسی گفت: من می‌دانم شاعرش چه کسی است. فکر می‌کرد امام اسم شاعر را نمی‌دانند. گفت: ابوالعطاهیه، حضرت فرمودند: چرا اسمش را آوردی؟ مگر نخواندی این آیه را که قرآن می‌فرماید: «والا تنابزو بالالقاب»، بر هم القاب زشت نگذارید.

شاعر یکم اسمی دارد ولی در یک اختلافی که با مهدی عباسی از خلفای بنی‌عباس داشت، مهدی عباسی یک اسم دیگری برای او گذاشت، که کنیه خیلی بدی است. «ابوالعطاهیه» یعنی پدر نادانی، پدر حماقت! بنابراین نباید این فرد را با این لقب خطاب کنید.» حضرت با طرح این نکته حفظ حرمت مومنان را به دیگران گوشزد کردند.

این مسئله‌ای است که در زندگی امروز ما باید به صورت ویژه مورد توجه قرار بگیرد.

برخی حتی دیگران را به دلیل ایرادهای ظاهری هم مسخره می‌کنند ونکته مهم این است که آن فردی که مورد تمسخر قرار می‌گیرد نقشی در آفرینش خود نداشته است. بحث دیگر اینکه امروز در جامعه ما گاهی خیلی راحت با آبروی مردم بازی می‌شود، لقب‌های عجیب و غریبی به بعضی نسبت می‌دهند و آن فرد در جامعه با همان لقب زشت شهرت پیدا می‌کند که این دور از اخلاق است. در آیات قرآن هم بارها به این موضوع تأکید شده و بر ما واجب است که سفارش‌های قرآن درباره حفظ آبروی دیگران را جدی بگیریم. متأسفانه برخی مؤمنان و متدینان نماز و روزه‌شان را به جا می‌آورند، ولی بخش دیگری از اوقات خودشان را به لطمه زدن به آبروی دیگران اختصاص می‌دهند. در حالی که وقتی آبروی کسی را می‌برید و مسخره می‌کنید، کلیپ پخش می‌کنید، هم حق‌الله است و هم حق‌الناس است. یعنی گناهانی که از آن می‌ترسیم حق‌الله است و گناهی که خیلی آسان انجام می‌دهیم هم حق‌الله است و هم حق‌الناس است. گاهی کلیپی از کسی منتشر می‌شود و از آسمان به زمین می‌افتد و این دور از ادب، انسانیت، انصاف و اخلاق است.

عواقب بردن آبروی دیگران

بردن آبروی مؤمنین همه اعمال نیک ما را از بین می‌برد. کسی که آبروی مردم را می‌برد فردای قیامت نامه عمل کسی را دستش می‌دهند، نامه عملش را می‌خواند، وقتی می‌خواند می‌گوید اشتباه شد. این نامه عمل ما نیست. ما فکر نمی‌کردیم تشکیلات شما اشتباه شود. معلوم می‌شود در دستگاه پروردگار هم پرونده‌ها جابه‌جا می‌شود. ما ده سفر کربلا داریم. مکه داریم، رمضان داریم، نماز داریم. خطاب می‌شود « ان ربک لا یضل و لاینسیء»؛ خدا نه اشتباه و نه فراموش می‌کند. یادت هست فلان روز آبروی فلانی را بردی و غیبت کردی؟ تمام حسنات تو به پرونده او منتقل شد. آن بنده خدا شصت سال آبرو جمع کرد و شما با یک کلمه از بین بردی. شما هم شصت سال نماز و روزه داشتی و خدا همه را منتقل کرد. کربلا و مکه و نماز و همه مسائل شرعی واجب و مستحب، وقتی آبروی کسی را بردی همه از بین می‌رود.

آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند

اول از همه هر وقت می‌خواهیم راجع به دیگران صحبت کنیم یادمان بیاید که اگر کسی چیزی شبیه به همان پشت سر ما بگوید یا در فضای مجازی منتشر کند، راضی هستیم یا خیر؟ بعد از آن یادمان باشد وقتی با کلامی زندگی مردم را از بین ببریم آیا قابل جبران هست؟ یعنی می‌توانیم آبروی رفته را برگردانیم؟ قطعا نمی‌توانیم. بنابراین باید آنچه را برای خودمان می‌پسندیم برای دیگران هم همان را بخواهیم. جامعه‌ای که تمرکز فکری مردمش به پیدا کردن عیوب خودشان باشد و تلاش کنند نقایص رفتاری خودشان را برطرف کنند، جامعه‌ای سالم و پویا خواهد بود و هر کسی عیب خودش را پیدا کند قطعا در مراحل زندگی به رشد اخلاقی و شخصیتی و اعتقادی می‌رسد. یادمان باشد وقتی آبروی یک مؤمن برابر با «حرمت خانه خدا» قرار داده شده است، نباید به راحتی آبروی دیگران را زیرپا بگذاریم.

از هفته‌نامه حرم شماره ۶۶۴

چراغ راه

خشونت رفتاری، عامل پراکندگی و واگرایی

قال الامام علی(ع): «من خشنت عریکته اقفرت حاشیته»

امام علی(ع) فرمود: هرکس تند و درشت‌خوی باشد و خشونت ورزد، مردم از گرداگرد او بگریزند [1]

۱- شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۲۵

حکایت خوبان

شیوه حکمرانی اهل‌بیت(ع)

امام صادق(ع) پس از بیان داستان مردی که همسایه‌اش را مسلمان کرده بود و به زور و اکراه او را وادار به انجام تکالیف دینی می‌کرد، خطاب به «عمار ابن ابی احرص» می‌فرماید: بر مردم فشار نیاورید. آیا نمی‌دانی که حکومت‌داری و روش اداره امور بنی‌امیه به زور شمشیر و خشونت و ستم بود، ولی حکومت‌داری و روش اداره امور ما به نرمی و مهربانی و متانت و تقیه و حسن معاشرت و پاکدامنی و کوشش است؟ پس کاری کنید که مردم به دین شما و مسلکی که دارید، رغبت پیدا کنند. [1]

۱- خصال، ج۲، ص ۳۴۵

پرسش و پاسخ

عوامل و ریشه‌های دوری از فطرت الهی(۳)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی چه علل و اسباب و عواملی موجبات دوری از فطرت الهی و دین‌گریزی و کمرنگ شدن ارزش‌های الهی و انسانی را در جامعه فراهم می‌آورد؟

پاسخ:

در دو بخش قبلی پاسخ به این سؤال به بحث فطری بودن دین و سه مورد از اهم عوامل دین‌گریزی شامل: ۱- فقر و تنگدستی ۲- آلودگی محیط اخلاقی و اجتماعی ۳- عملکرد عالمان دین پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۴- ارائه چهره‌ای خشن از دین

آموزه‌های وحیانی دین پیام‌آور محبت و هدایت برای انسانها است. اساس دین با خشونت و غلاظ و شداد سازگار نیست. و برای گسترش و تبلیغ آن، هیچ‌گاه توصیه به خشونت و قوه قهریه نمی‌کند.

مدارا، نرمی، محبت و رحمت اگر در خدمت دین و سلوک دینی قرار گیرد، سبب گرایش مردم و جذب آنان به تعالیم الهی می‌گردد. برعکس اگر به نام دین و دینداری خشونت و قوه قهریه به کار گرفته شود و چهره‌ای خشن و غلیظ از دین نشان داده شود به طور طبیعی موجب گریز مردم از دین و دینداری خواهد شد. گروههای تکفیری و افراطی طالبان، داعش و جبهه النصره و... با هدف ارائه چهره‌ای خشن و جنگ‌طلب و دوری از منطق و عقلانیت و استدلال از دین توسط استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل به وجود آمده تا از نفوذ و تأثیرگذاری اسلام‌ناب در قولب مخاطبین و جذب آنها جلوگیری کنند!

البته ناگفته نماند که اجرای قوانین و مجازات اسلامی از رحمت خداوند نشأت گرفته و با ملاحظات و شروط بسیاری اجرا می‌گردد. مانندپزشک جراح و ماهری که برای نجات جان بیمار جز جراحی چاره‌ای ندارد. بنابراین مدارا و صلابت و نرمش و قاطعیت هر دو از تعالیم رحمانی قرآن و سیره پیامبر(ص) و امامان(ع) است. آری با غلظت و خشونت نمی‌توان دلها را جذب کرد و آنها را به طرف خدا و دین و دینمداری کشاند این حقیقتی است که خدای متعال در قرآن می‌فرماید: از پرتو رحمت الهی در برابر آنها نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند (آل‌عمران- ۱۵۹) خشونت‌های کلیسا در دوران قرون وسطی نقش مهمی در دین‌گریزی مردم اروپا و حکومتهای آنها داشت و نظام‌های سکولار و لائیک در اروپای مذهبی یکی از مهم‌ترین دلایلش جنایت‌های قرون وسطایی کلیسا به نام دین بود. شهید مطهری(ره) در این زمینه می‌نویسد: مذهب که می‌بایست دلیل هدایت و پیام‌آور محبت باشد، در اروپا به این صورت درآمد که مشاهده می‌کنیم. تصور هرکس از دین و خدا و مذهب، خشونت بود و اختناق واستبداد. بدیهی است که عکس‌العمل مردم در مقابل چنین روشی جز نفی مذهب از اساس و نفی آن چیزی که پایه اولی مذهب است یعنی خدا نمی‌توانست باشد. هر وقت و هر زمان که پیشوایان مذهبی مردم که مردم آنها را در هر حال نماینده واقعی مذهب تصور می‌کنند، پوست پلنگ می‌پوشند و دندان ببر نشان